



عظمت میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از دیدگاه امام خمینی

آیت‌الله تحریری گفت: در عظمت میرزا جواد آقا ملکی تبریزی همین بس که امام راحل درباره ایشان فرمودند که من احساس خسارت می‌کنم که از محضر این عالم کم استفاده کردم.

آیت‌الله تحریری گفت: در عظمت میرزا جواد آقا ملکی تبریزی همین بس که امام راحل درباره ایشان فرمودند که من احساس خسارت می‌کنم که از محضر این عالم کم استفاده کردم.

خبرگزاری مهر؛ آیین-عصمت علی آبادی؛ امروز سالگرد رحلت عالم عامل و عارف روشن ضمیر حضرت آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، مؤلف کتاب شریف المراقبات است. در دستورات دین و اولیا الهی به ما سفارش شده است زندگی نامه علمای ربانی و عرفا را مطالعه کنیم و درس بگیریم. خداوند متعال به پیامبر (ص) می‌فرماید حالات بندگان ما حضرت ابراهیم (ع) و حضرت یعقوب (ع) را یادآور باش چراکه آنها بندگان خالص خدا بودند.

در قرآن کریم همواره به یادآوری زندگی اولیا الهی تذکر داده شده است. یادآوری حالات این بندگان شایسته، برای ما و کسانی که قصد حرکت در مسیر الهی دارند مطلوب است. بر همین اساس با آیت‌الله محمدباقر تحریری تولیت و استاد اخلاق حوزه علمیه مروی پیرامون ابعاد وجودی مرحوم آیت‌الله ملکی تبریزی به گفت‌وگو پرداختیم که از نظر مخاطبان گرامی می‌گذرد:

* مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در سیر تحصیلی و عرفانی خود از چه اساتیدی بهره برده اند؟

بحث درباره شخصیت علمی و معنوی عارف جلیل‌القدر مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (اعلی‌الله مقامه الشریف) در خور کسی همچون بنده نیست اما در روایات آمده که با ذکر صالحان رحمت الهی نازل می‌شود، همچنین بررسی و بیان مقامات معنوی و علمی این بزرگواران ممکن است در انسان تحول ایجاد کند و این خود نوعی درس اخلاق و معنویت است که همگان باید به این مسئله توجه داشته باشند.

ایشان از نظر علمی در مراتب بسیار بالایی بودند، در تبریز زندگی می‌کردند و برای تکمیل تحصیلات علمی خود به نجف مشرف شده و از خرمن معارف بزرگوارانی همچون مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی؛ صاحب کفایه، خوشه چینی می‌کنند، علاوه بر این ایشان با مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی که از شاگردان برجسته مرحوم شیخ انصاری رضوان‌الله‌علیه بود مصاحبت داشتند و درس‌های فقه و اصول ایشان را تدوین کردند و پس از مرحوم شیخ هم ایشان در منزل خود همان مباحث شیخ انصاری را ادامه دادند.

مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی در تربیت شاگردان معنوی تقریباً در بین علمای اسلام بی‌نظیر بودند و خداوند متعال به ایشان عنایت کرده بود که در این رابطه موفقیت‌های زیادی را به دست آورده بودند. ایشان یک جلسه عمومی برای مردم داشتند و یک جلسه دیگری برای اهل علم داشتند علاوه بر این عده‌ای از نخبگان علمی و معنوی تحت تربیت مستقیم ایشان قرار گرفتند که شاگردان متعددی را برای ایشان نقل می‌کنند. مرحوم آقا بزرگ تهرانی در کتاب شریف الذریعه نام عده‌ای از ایشان را می‌آورد که یکی از آنها مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی است که در زمان آخوند ملا حسینقلی همدانی به مراتب بالایی از معنویت راه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که با سفارش مرحوم ملا حسینقلی به تربیت دیگران پرداختند.

مرحوم ملکی تبریزی از نظر علمی در مراتب بسیار بالایی بودند، در تبریز زندگی می‌کردند و برای تکمیل تحصیلات علمی خود به نجف مشرف شده و از خرمن معارف بزرگوارانی همچون مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی؛ صاحب کفایه، خوشه چینی می‌کنند

به نظر می‌رسد مرحوم آیت‌الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی یکی از شاگردان ایشان باشد که چون مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی را درک نکرده بود، لذا نامه‌هایی را با مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رد و بدل کردند و یک نامه‌ای هم معروف است که میرزا جواد آقا به مرحوم اصفهانی نوشتند که ظاهراً آن وقتی است که ایشان به ایران آمده و این ارتباط به صورت مکاتبه‌ای شکل گرفته است.

* مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از جهت علمی در چه سطح علمی قرار داشتند؟

مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از جهت علمی در سطح مراجع آن زمان بودند و اساساً عمده شاگردان تربیتی مرحوم آقا حسینقلی همدانی از مجتهدان وارسته و بزرگ بودند که برخی از آنها محل رجوع احتیاطات مرحوم میرزای شیرازی بودند مثل مرحوم آقا سید احمد کربلایی که ایشان خیلی حالات عجیبی داشتند و ایشان راضی نشدند احتیاطات مرحوم میرزا به ایشان ارجاع شود اما این طور نیست این بزرگواران انسان های عادی بوده باشند که تحت تربیت آخوند ملا حسینقلی همدانی قرار گرفته باشد و هر کدام از آنها استوانه ای در فقه و فقهات و مباحث فلسفی و حتی عرفان نظری بودند و برخی از آنها هم منشأ خدمات اجتماعی و در برخی از نهضت های سیاسی قرار داشتند مثل مرحوم لاری که در لارستان معروف است و از شاگردان آخوند ملا حسینقلی همدانی بوده است. این شخصیت ها هم از جهت علمی در سطح بالایی بودند و هم از جهت اجتماعی و گاهی سیاسی در جایگاه خاص و بالایی بودند و افرادی را تربیت کردند.

مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی با رهنمودهای استاد خود مرحوم آقا سید علی شوشتری یک نظام تربیتی خاصی داشتند. مرحوم آقا سیدعلی شوشتری از فقها و مجتهدان بزرگ بودند که در دزفول حکمرانی و قضاوت داشتند و از آنجا که شاگردان بزرگی را تربیت کرده بودند با دستگیری خدای متعال زمینه آمدن او به نجف فراهم می شود، مرحوم شیخ انصاری وقتی متوجه می شوند که آقا سید علی شوشتری به نجف آمده جهت استفاده از معنویات ایشان با او ارتباط تنگاتنگی برقرار می کنند بگونه ای که مرحوم شوشتری را در نماز خواندن بر خودش وصی خود قرار می دهند.

علمای نجف یک مکتب تربیتی را تشکیل می دهند که منشأ آن مرحوم آقا سید علی شوشتری است که شیخ انصاری هم به نوعی تحت تربیت ایشان قرار گرفته است. با اینکه شیخ انصاری خود از نظر معنوی دارای مقامات بلندی بوده است اما برای استفاده معنوی و اخلاقی نزد مرحوم آقا سید علی شوشتری می رفتند، امام راحل در کتاب جهاد اکبر این مساله را تبیین و خطاب به علما و فضلا سفارش می کنند که باید همچون شیخ انصاری نزد علمای بزرگ برسند و از آنها استفاده اخلاقی و معنوی داشته باشند.

آقا سیدعلی شوشتری تقریباً یک شاگرد ممتاز به نام آخوند ملا حسینقلی همدانی داشته است، و بسیار به مساله تربیت اهمیت می داده است تا جایی که به مرحوم ملا حسینقلی سفارش می کند شما در عین حال که در فقه و اصول را می دهید اما بیشتر به مسائل معنوی بپردازید.

گاهی برخی تصور می کنند که این بزرگواران انسان های عادی بودند در حالی که آنها منشأ تحولات بزرگ علمی و معنوی در حوزه های علمیه به خصوص حوزه علمیه نجف بودند. در عظمت میرزا جواد آقا ملکی تبریزی همین بس که امام راحل (قدس سره الشریف) درباره ایشان می فرماید: من احساس خسارت می کنم که از محضر این عالم کم استفاده کردم. بزرگان فراوانی از مرحوم آقا میرزا جواد آقا استفاده کردند و شخصیتی بودند که امام راحل، مرحوم آیت الله بهاءالدینی و بزرگان دیگر در برابر ایشان خاضع بودند، مرحوم آقا میرزا عبدالعلی تهرانی (پدر مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی و حاج آقا مرتضی تهرانی که در تهران از مراجع، فقها و علمای بزرگ تهران بودند) در عظمت میرزا جواد آقا ملکی تبریزی فرمودند که ما هفته ای یک بار بیشتر نمی توانستیم به نماز ایشان برویم به جهت تأثیر عجیبی که نماز ایشان داشت و ما از زندگی می افتادیم، ایشان بالاسر حرم حضرت معصومه (س) نماز می خواندند و در مدرسه فیضیه درس های اخلاقی هم داشتند.

*از مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی چه آثاری باقی مانده است؟

از ایشان سه اثر باقی مانده است، یکی اسرار الصلاة و دیگری کتاب شریف المراقبات است که به عربی نوشته و ترجمه شده است، در کتاب المراقبات اعمال ماه های قمری را مطابق کتاب اقبال سید بن طاووس تدوین کردند، در این کتاب مطالب بسیار ارزنده ای از عظمت و اعمال ماه های قمری به خصوص ماه رمضان را بیان کردند، مطلوب است که طلاب و فضلاء حوزه علمیه این کتاب بسیار شریف را به عنوان کتاب اخلاقی برای مطالعه و تدریس داشته باشند. کتاب دیگر او لقالله است که در آن نظام تربیتی را تبیین می کند. مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) در مقدمه کتاب المراقبات ایشان می نویسد که من نمی خواهم این کتاب یا مؤلف بزرگ آن را مدح کنم اما این کتاب همچون دریایی است که قابلیت وزن کردن ندارد.

علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) از بزرگان و استوانه های بزرگ این مکتب و شاگرد برجسته مرحوم آیت الله آقا سید علی آقا قاضی هستند. مرحوم قاضی شاید از برجسته ترین عارفان و بزرگان این مکتب است که خود، شاگرد مرحوم آقا سید احمد کربلایی بودند. ما مکتب تربیتی مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی را از بیان مرحوم علامه طباطبایی شروع می کنیم که به چند مطلب تکیه دارد:

اول توجه به مقصد است که البته میرزا جواد آقا ملکی خود در رساله لقالله این نکته را مورد توجه قرار می دهد و می فرماید مقصد اصلی همان رسیدن به عبودیت پروردگار متعال است به گونه ای که انسان در ارتباط با خداوند متعال سعی کند که همواره

عبودیت خداوند را که هدف از خلقت است با فعالیت های گوناگون خود پیاده کند، دیگر اینکه عبودیت دارای مراتب و مراحل است که از اطاعت خداوند متعال در عبودیت شروع می شود تا اینکه انسان رذائل نفسانی را اصلاح کند و به مراتب بالاتر یعنی توجه خالص به خداوند متعال برسد. در واقع آن حقایق توحیدی را (که در مبانی اعتقادی و جنبه های ایمانی به عالم غیب به آن اعتقاد پیدا می کند) در پایان این سیر برای انسان به صورت قلبی کشف شود.

*از نظر مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ماهیت و چشم انداز سیر و سلوک چیست و چقدر ضرورت دارد؟

معنای سیر و سلوک این است که ما بدانیم برای چه آفریده شدیم و آفریننده ما چه کسی است و چه مسیر و هدفی را برای ما ترسیم کرده است که به آن هدف نائل شویم، خدای متعال در قرآن فرمودند که من می خواهم برای خود بر روی زمین خلیفه و جانشین قرار دهم که مظهر اوصاف، کمال و جمال من باشد، این مقام جز با عبودیت و قرار گرفتن در صراط مستقیم تحقق پیدا نمی کند، صراط مستقیم رهبرانی همچون انبیا، صلحا، صدیقین و شهدا دارد که ما ماموریم با آنها همراه شویم این رهبران را خداوند در سوره نساء آیه ۶۹ معرفی کرده است.

علمای بزرگی همچون میرزا جواد آقا ملکی تبریزی این مسیر را با یک نظام و لوازم دقیق الهی طی کردند هرچه انسان با این نظام آشنایی و آگاهی بیشتری داشته باشد حرکت او به سوی خدا موفقیت آمیزتر خواهد بود، البته این گونه نیست که اگر کسی با این نظام تربیتی آشنا نشد نمی تواند مسیر عبودیت را برود، چون مسیر عبودیت، کمال و سعادت می باشد و برای همه باز است و محور آن هم اطاعت از دستورات شرع مقدس است اما در کنار عمل به این دستورات اصلی، وجود یک روش اساسی تربیتی انسان را به نتایج بهتری از سعادت و کمال می رساند.

*مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی درباره سیر و سلوک چه روش هایی را توصیه می کردند؟

مهمترین این روش ها روش مراقبه و محاسبه است که انسان در ابتدا مراقبت مستمر بر انجام دستورات شرع مقدس در زمینه انجام واجبات و ترک محرمات داشته و شبانه روز نسبت به اعمال خود محاسبه داشته باشد، با این مراقبه و محاسبه انسان موفقیت خود را در اطاعت مستمر از خداوند، احراز و به مرور نواقص خود را برطرف می کند و اگر در اطاعت و رفع نواقص موفقیتی داشت خدای متعال را شکر می کند. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در رساله شریف لقالله همه این موارد را بخشی از مسیر سیر و سلوک عنوان می کند.

سیر یعنی حرکت کردن، و سلوک در واقع مترتب شدن آثار این حرکت است؛ چون انسان مراحل بسیاری را در مسیر بندگی خدای متعال دارد و حالات مختلفی از مطلوب و غیر مطلوب برای او پیدا می شود. کتاب های اخلاقی مختلفی این حالات مطلوب و غیر مطلوب انسان را بیان می کند که از جهت تربیتی ما باید این مسیر را طی کنیم. اگر انسان با مراقبه و عمل به دستورات شرع مقدس نسبت به فضائل و رذائل اخلاقی خود آگاهی پیدا کرده و در صدد کسب فضائل و رفع رذائل خود برآید برای او بسیار سازنده است.

بر همین اساس در روایات فرمودند که در اول صبح انسان با نفس خود مشارطه بکند یعنی به نفس خود توجه دهد که در روز چه هدفی را دارد دنبال می کند و با چه روشی می خواهد زندگی کند که روش او اطاعت و دوری از گناهان باشد و پس از محاسبه اگر فهمید که ضرر کرده و مراقبه نداشته خود را مورد انتقاد قرار دهد که چرا از نعمت های پروردگار استفاده کرده و دستورات خدای متعال را به کار نبسته است، این عتاب باید به برنامه ریزی مبدل شود و انسان تنها به عتاب تکیه نکند و البته برای خود جریمه هایی را هم معین نکند جریمه اش به این باشد که آن تصمیمی را که گرفته محکم کند و مراقبه اش را قوی کند در غیر این صورت جریمه خیلی مفید واقع نمی شود و این بزرگواران هم به جریمه توجه نمی کردند.

روش تربیتی این بزرگواران اینگونه بوده است اما مراقبه و محاسبه در مراتب بالای عبودیت شدت پیدا می کند زیرا عبودیت انسان در مرحله انجام واجبات و ترک محرمات محدود نمی شود بلکه در مراحل بالاتر به مستحبات پرداخته می شود که این مستحبات عمدتاً تصمیم به انجام واجبات را محکم و تقویت می کند، بنابراین مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب لقالله به چند چیز توجه می کردند یکی کنترل خواب است که انسان تن پرور نشود. میزان متعارف آن را هفت تا ۶ ساعت می داند، دیگر اینکه انسان علاوه بر اینکه به جنبه های حلال و حرام خوراک خود توجه دارد در میزان مصرف آن کنترل داشته باشد که دچار شکم بارگی نشود که در دستور شرع مقدس آداب آن آمده است. دیگر اینکه به شب زنده داری توجه کند. هرکس به اندازه خود از کم شروع کند که تحولات روحی لازم را داشته باشد، دیگر اینکه با توجه به تقصیرات و قصورات خود به درگاه الهی تضرع و زاری داشته باشد. همچنین درباره مرگ تفکر کند چرا که سبب می شود اعمال و رفتار خود را تحت کنترل بدانیم و اینکه زندگی ما بدون حساب و کتاب نیست و انسان در زندگانی ابدی و پایدار آخرت حساب و کتاب می شود. این توجه ها سبب می شود که ما هم اینجا حساب و کتاب را سرلوحه کار خود قرار دهیم که اگر انسان حساب و کتاب را سرلوحه کار خود قرار ندهد ممکن است

اوقات او و به تبع آن وجود او هرز و بیهوده شود و در نهایت ممکن است عالم معاد را منکر شود، چراکه قرآن کریم می فرماید اگر عمده کافران عالم معاد و قیامت را منکر می شوند به این دلیل است که می خواهند زندگی بدون حساب و کتاب و حیوانی داشته باشند. پس تفکر در مرگ، معارف الهی را در قلب تقویت می کند که البته این تفکرات به نوعی تفکر در خود را هم به دنبال می آورد. این وادی بسیار مهمتری است که ناظر به توجه به عوالم وجودی خود انسان است که قهراً معرفت الله را در بر دارد و این سیر نیاز به استاد خاص دارد و هرکس توان طی طریق در آن را ندارد.

اگر ما به مباحث مکتب تربیتی میرزا جواد آقا توجه کرده و مسائل اصلی را دنبال کنیم تا این حد به استاد خاص نیاز نداریم بلکه باید آگاهی های اعتقادی محکم داشته باشیم که با آن به واجبات و محرمات عمل کنیم بنابراین در این زمینه حتماً باید با عالمان دینی مرتبط باشیم و از مراجع بزرگ تقلید کنیم

این بیانات تحلیل عمومی از روش تربیتی مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی است که اگر ما طبق آن حرکت و عمل کنیم به طور قطع در مسیر تربیت نفس قرار می گیریم، تربیت نفس در ابتدا با انجام واجبات و ترک محرمات در شئون گوناگون زندگی فردی، سیاسی و اجتماعی آغاز می شود و شامل پذیرش یک حاکمیت در سطح جامعه یا رأی دادن هم می شود.

*موانع و آفات علمی سیر و سلوک و راه های انحرافی آن از نظر مرحوم آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی چه چیزهایی هستند؟

انسان در شئون گوناگون زندگی دنیوی برای بندگی خدای متعال نیاز به التجاء و توکل مستمر به او و توسل به اهل بیت (ع) دارد بنابراین در سیر تربیتی انسان باید به شرایط و موانع کمال توجه کند زیرا در مسیر بندگی خدای متعال موانع متعددی وجود دارد که از جمله آنها شیطان راهزن و هواهای نفسانی است، در مرحله اول پس از دوری از کفر، شرک و نفاق این هواهای نفسانی است که در مخالفت عملی با دستورات شرع مقدس جلوه می کند و با اتکا به محرمات در شئون گوناگون زندگی خود را در قالب صفات رذیله نشان می دهد.

با این بیان کوتاه ما معنای سیر و سلوک از دیدگاه آقا میرزا جواد آقا ملکی تبریزی را عرض کردیم که سیر حرکت در مسیر الهی و پیاده کردن عبودیت با اطاعت مستمر از دستورات شرع مقدس است و سلوک مترتب شدن آثار اطاعت در وجود انسان است که این موارد همواره با یکدیگر ارتباط دارند، اگر انسان بخواهد موفقیت مناسب داشته باشد باید با روش مشارطه، مراقبه و محاسبه نفس در شبانه روز همراه باشد، این موارد سبب تضرع انسان به درگاه الهی می شود که رذائل اخلاقی وجود خود را کشف کرده و آن را برطرف کند و دنبال کسب کمالات باشد اگر انسان این امور را به صورت منظم ترتیب دهد و به کار بندد، به آثار اولیه و لازم بندگی می رسد.

*آیا طی سیر و سلوک نیاز به استاد خاص است؟

اگر ما به مباحث مکتب تربیتی میرزا جواد آقا توجه کرده و مسائل اصلی را دنبال کنیم تا این حد به استاد خاص نیاز نداریم بلکه باید آگاهی های اعتقادی محکم داشته باشیم که با آن به واجبات و محرمات عمل کنیم بنابراین در این زمینه حتماً باید با عالمان دینی مرتبط باشیم و از مراجع بزرگ تقلید کنیم.

به کار بستن این روش مختص به گروه خاصی نیست؛ اگر با این کلیات که بیان شد با علما، کتب و مجالس اخلاقی آنها آشنا شویم که فضائل و رذائل نفسانی را طبق فرمایشات شرع مقدس اسلام برای ما بیان کرده اند، در رسیدن به این سطح از هدف نیاز به استاد نداریم و سرگردان نخواهیم شد، آنگاه اگر کسانی با طی کردن این روش به یک حالات خاصی رسیدند و تقاضاهای بیشتری داشتند از خداوند متعال و اهل بیت (ع) بخواهند که در ادامه این مسیر، عالمان به سیر و سلوک را در مسیر زندگی ایشان قرار دهد و از روش های انحرافی که در متن دین وجود ندارد و کسانی به عنوان معنویت یا معرفت نفس، در برابر مسیر شرع مقدس دکان باز کردند، دوری کنیم و فریب نحلّه ها و ندهای انحرافی را نخوریم.